

الله
الرحمن الرحيم
وَصَلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قانون و قانونگذاری در آراء اندیشمندان شیعه

به اهتمام

دکتر محمد جواد جاوید

با آثاری به قلم (ترتیب مروف النبی):

لادی بیات - محسن داوری - محمد لادی راجی - یاثم صداقت زاده

لادی طحان نظیف - این رضا عابدی نژاد داورانی - محسن نامی



قانون و قانون‌گذاری در آراء اندیشمندان شیعه

به‌اهتمام: دکتر محمد جواد جاوید

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: گلناز حسامی

ویرایش و صفحه‌آرایی: مهدی مباشری

شمارگان: ۱۵۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۴۹-۴

ISBN: 978-600-5574-49-4

حق چاپ و نشر و نسخه‌برداری دیجیتالی محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۴۶۵۵-۱۵۹
تلفن: ۰۲۰-۱۴۲۰۰۸۳۷۸

سرشناسه:	جوادی، محمدجواد، ۱۳۴۸— گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور:	قانون و قانون‌گذاری در آراء اندیشمندان شیعه / به اهتمام محمدجواد جاوید.
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۳۲۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۴۹-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۳۱۷ - ۳۱۹
موضوع:	قانون‌گذاری (فقه)
موضوع:	اسلام و دولت
شناسه افزوده:	دانشگاه اماد صادق(ع)
رده بندي کنگره:	RP231/2 ق۲ ۱۳۸۹
رده بندي دیجیتی:	۲۹۷ ۴۸۳۷
شماره کتابشناسی ملی:	۷۳۳۷۵۰۲

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
فصل ۱. قانون و قانونگذاری در اندیشه‌ی امام خمینی (رحمه الله عليه)	۲۷
هادی طحان نظیف، محسن داوری	
فصل ۲. قانون و قانونگذاری در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مظلمه‌العالی.....	۶۷
سید محمد مهادی غمامی	
فصل ۳. قانون و قانونگذاری در اندیشه دکتر شهید بهشتی	۹۵
هادی بیات	
فصل ۴. قانون و قانونگذاری در اندیشه‌ی آیت الله جوادی آملی.....	۱۵۳
میثم صداقت‌زاده	
فصل ۵. قانون و قانونگذاری در اندیشه شهید صدر(ره) ^{لهم}	۲۳۱
محسن نامی	۲۳۱
فصل ۶. قانون و قانونگذاری در اندیشه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی	۲۴۹
سید محمد هادی راجی	
فصل ۷. نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۳۰۳.	
شهید محمد باقر صدر/ مترجم امین رضا عابدی نژاد داورانی	
چکیده فصول.....	۳۱۹

فهرست تفصیلی

۱۷.....	سخن ناشر.....
۱۹.....	مقدمه.....
فصل اول: قانون و قانونگذاری در اندیشه امام خمینی رحمة الله عليه.....	
۲۷.....	مقدمه.....
۲۷.....	۱. زندگی نامه.....
۲۹.....	۲. آثار.....
۳۱.....	۳. پیش فرض ها.....
۳۲.....	۳-۱. توحید قانونگذاری در خدا.....
۳۳.....	۳-۱-۱. دلایل عقلی.....
۳۳.....	۳-۱-۲. دلایل نقلی.....
۳۶.....	۳-۱-۳. خداوند و قانونگذاری.....
۳۷.....	۳-۲. انتظار بشر از دین.....
۳۹.....	۳-۲-۱. نفوذ حکم غیر خدا.....
۳۹.....	۳-۲-۲. ملاک نفوذ حکم غیر خدا.....

۸ قانون و قانونگذاری در آراء اندیشمندان شیعه

الف) نصب پیامبر (صلی الله علیه و آله).....	۳۹
ب) نصب ائمه علیهم السلام.....	۴۰
ج) نصب فقهاء	۴۰
۲-۲-۲. تفویض یا عدم تفویض قانونگذاری.....	۴۲
الف) معنای تفویض.....	۴۲
ب) پیامبر و ائمه و فقهاء مجری احکام الهی	۴۳
۲-۲-۳. نتیجه.....	۴۴
۴. اصول و مبانی قانونگذاری در اسلام.....	۴۴
۱-۴. هدف قانونگذاری در اسلام.....	۴۵
۱-۱-۴. سعادت زندگی مادی و معنوی انسان.....	۴۵
۱-۲-۴. تربیت و تهذیب انسان.....	۴۵
۱-۳-۴. عدالت	۴۷
۱-۴-۴. شمول قانونگذاری.....	۴۷
۲-۴. ابدی و غیر قابل نسخ بودن احکام الهی	۴۸
۴-۲-۱. علت غیر قابل نسخ بودن احکام الهی	۴۸
۴-۲-۲. علت وجود ناسخ و منسوخ در قرآن	۴۹
۴-۲-۳. نقش زمان و مکان در احکام الهی	۴۹
۴-۲-۴. نقش مصلحت در احکام الهی و نظام اسلامی	۵۰
۴-۲-۵. محدوده قانونگذاری توسط حکومت اسلامی	۵۱
۶-۲-۴. نتیجه.....	۵۲
۵. روش قانونگذاری در اسلام.....	۵۳
۵-۱. اجتهاد.....	۵۳
۱-۱-۵. معنای اجتهاد و شرایط آن.....	۵۳
۱-۲-۵. امام و اجتهاد و فقهه سنتی	۵۵
الف) لازم بودن اجتهاد و فقهه سنتی.....	۵۵

۹ فهرست تفصیلی □

ب) کافی نبودن اجتهاد مصلح.....	۵۶
۵-۴. قانونگذاری در جمهوری اسلامی.....	۵۸
۵-۲-۱. نقش مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری.....	۵۹
الف) تشخیص موضوع.....	۵۹
ب) وفق دادن مصالح کشور با قانون‌های آسمانی.....	۶۰
ج) برنامه ریزی.....	۶۰
۵-۲-۲. نقش شورای نگهبان در قانونگذاری.....	۶۱
۵-۲-۳. قانون مصوب مجلس و شورای نگهبان.....	۶۲
۵-۲-۴. مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۶۳
۵-۲-۵. نتیجه.....	۶۳
نتیجه‌گیری.....	۶۴
منابع.....	۶۶

فصل دوم: قانون و قانونگذاری در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مدلوله‌العالی.....	۶۷
مقامه.....	۶۷
۱. زندگی‌نامه.....	۶۹
۱-۱. بخش اول: تولد و تحصیلات.....	۶۹
۱-۲. بخش دوم: آشنایی با امام خمینی(ره) و فعالیت‌های سیاسی.....	۷۲
۱-۳. بخش سوم: آثار علمی.....	۷۵
۲. جایگاه قانون و مجلس از نگاه مقام معظم رهبری.....	۷۶
۲-۱. قانون.....	۷۶
۲-۲. مجلس.....	۷۹
۳. اصول قانونگذاری از نگاه مقام معظم رهبری	۸۱
۳-۱. اسلام محوری	۸۱
۳-۲. دشمن سیزی	۸۳

۱۰ ۲- قانون و قانون‌گذاری در آراء اندیشمندان شیعه

۳-۳. ولایت مداری.....	۸۴
۴-۴. قانون اساسی؛ معیار قوانین.....	۸۵
۴-۵. مردم سالاری دینی.....	۸۶
۴-۶. بصیرت و آگاهی.....	۸۸
۴-۷. صیانت از نظام جمهوری اسلامی.....	۸۸
۴-۸. چشم انداز بیست ساله و اصل ۴۴.....	۸۹
۴-۹. عدالت محوری و مبارزه با فساد.....	۹۰
۴-۱۰. نتیجه‌گیری.....	۹۲
۴-۱۱. منابع.....	۹۴

فصل سوم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه دکتر شهید بهشتی	۹۵
۴-۱. مقدمه	۹۵
۴-۲. زندگی نامه	۹۶
۴-۳. جهان بینی «قانون‌گذاری در اسلام»	۹۷
۴-۴. انسان، اسلام و قانون‌گذاری	۹۷
۴-۵. ۲-۱-۱. ویژگی های انسان	۹۷
۴-۶. ۲-۱-۲. رشد اختیاری؛ اساس نظام قانون‌گذاری اسلام	۹۹
۴-۷. ۲-۲-۱. انسان و جامعه؛ موضوع قانون‌گذاری	۱۰۲
۴-۸. ۲-۲-۲. اصالت فرد	۱۰۲
۴-۹. ۲-۲-۳. اصالت جامعه	۱۰۳
۴-۱۰. ۲-۲-۴. اهمیت جامعه در قانون‌گذاری	۱۰۴
۴-۱۱. ۲-۳-۱. جامعه مکتبی، قانون مکتبی	۱۰۵
۴-۱۲. ۲-۳-۲. انواع جامعه و اتحاده قانون‌گذاری	۱۰۶
۴-۱۳. ۲-۴-۱. قسط و عدل؛ محور همه قانون‌گذاری ها در اسلام	۱۰۸

فهرست تفصیلی □ ۱۱

۱۰۹.....	۲-۵. نظام اسلامی؛ جلوه عملی قانون‌گذاری
۱۱۰.....	۱-۵-۱. نگاهی دیگر به جهان بینی قانون‌گذاری در اسلام
۱۱۲.....	۳. مبانی و اصول قانون‌گذاری در اسلام
۱۱۲.....	۲-۱. مبانی قانون‌گذاری در اسلام
۱۱۲.....	۱-۱-۱. محوریت مکتب در قانون‌گذاری
۱۱۵.....	۲-۱-۲. حفظ اصالت مکتب در قانون‌گذاری
۱۱۷.....	۳-۱-۳. عقلانیت رکن اساسی قانون‌گذاری اسلامی
۱۲۰.....	۴-۱-۴. ارتباط مکتب با عقل و علم؛ تبدیل اصول به قانون
۱۲۲.....	۱-۲-۲. اصول و ضوابط قانون‌گذاری در اسلام
۱۲۳.....	۳-۲-۱. توجه به رشد اختیاری انسان در قانون‌گذاری
۱۲۵.....	۳-۲-۲. حاکمیت قسط و عدل بر تمام قوانین
۱۲۷.....	۳-۲-۳. توجه به رشد هماهنگ مادی و معنوی
۱۳۰.....	۴-۲-۴. واقع بینی نه کمال نگری در نگاه به انسان جهت وضع قانون
۱۳۲.....	۳-۲-۵. نگاه نظاممند و کل نگر در قانون‌گذاری
۱۳۵.....	الف) اهمیت نظم
۱۳۶.....	ب) حفظ برادری و اخوت اسلامی
۱۳۷.....	۳-۲-۶. بررسی همه جانبی
۱۳۹.....	۳-۲-۷. لزوم آینده نگری در قانون‌گذاری اسلامی
۱۴۱.....	۳-۲-۸. وجود آهنگ تربیت در قانون‌گذاری
۱۴۱.....	۳-۲-۹. توجه به پیامدهای قانون
۱۴۳.....	۳-۲-۱۰. پذیرش مقتضیات قانون‌گذاری
۱۴۳.....	۳-۲-۱۱. لزوم مشورت
۱۴۵.....	۴. قانون گذار
۱۴۵.....	۴-۱. عادی بودن اختلاف نظرها
۱۴۷.....	۴-۲. فصل الخطاب بودن نظر حکومت

۱۲ ۲ قانون و قانون‌گذاری در آراء اندیشمندان شیعه

۳-۴. شکل کامل قانون‌گذاری فقط از طریق حکومت.....	۱۴۷
نتیجه‌گیری.....	۱۴۸
منابع.....	۱۵۲

فصل چهارم: قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی آیت‌الله جوادی آملی	۱۵۳
مقدمه	۱۵۳
۱. زندگی نامه.....	۱۰۰
۲. فعالیت‌های اجتماعی.....	۱۰۷
۳. کلیات و پیش فرض‌ها.....	۱۰۸
۳-۱. واژه‌نامه	۱۰۹
۳-۱-۱. حق.....	۱۰۹
الف) معنی اصطلاحی حق.....	۱۶۰
۳-۱-۲. قانون.....	۱۶۰
الف) تعریف قانون.....	۱۶۰
ب) نسبت حق و قانون.....	۱۶۱
۳-۱-۳. دین.....	۱۶۲
الف) تعریف دین.....	۱۶۲
ب) دین و حق انسان.....	۱۶۳
۳-۲. نیاز به قانون	۱۶۳
۳-۲-۱. انسان در اجتماع	۱۶۳
۳-۲-۲. انسان بدون اجتماع	۱۶۵
۳-۲-۲-۲. محدود بودن آزادی	۱۶۵
۳-۳. قانون‌گذاری بشری	۱۶۶
۳-۳-۱. منشأ حق از دیدگاه متفکران غربی	۱۶۶
۳-۳-۲. نقد قانون‌گذاری بشری	۱۶۹

فهرست تفصیلی □ ۱۳

۱۷۱	۳-۳. آثار قانون‌گذاری بشری
۱۷۲	۴. قانون‌گذاری الهی
۱۷۲	۱-۴. مقدمه
۱۷۳	۲-۴. ادله اثبات قانون‌گذاری الهی
۱۸۰	۴. روش قانون‌گذاری
۱۸۱	۱-۴. ساختار قانون‌گذاری
۱۸۱	۱-۱-۴. جایگاه علماء
۱۸۵	۱-۱-۴. جایگاه مردم
۱۹۰	الف) نقش مردم در تعیین حاکم
۱۹۱	ب) تحلیل «جمهوری اسلامی»
۱۹۳	ج) نقش بی‌دینان در حکومت اسلامی
۱۹۴	د) عدم پذیرش حکومت اسلامی
۱۹۴	۲-۴. منابع قانون‌گذاری در اسلام
۱۹۵	۱-۲-۴. عقل و نقل
۱۹۷	الف) حجت عقل
۲۰۰	۲-۲-۴. بناء عقل
۲۰۱	۲-۲-۴. ظن
۲۰۲	۲-۴-۴. عرف
۲۰۳	۳-۴. قانون‌گذاری اسلامی
۲۰۴	۱-۳-۴. قوانین تشریعی
۲۰۴	الف) مقدمه
۲۰۷	ب) نحوه استنباط
۲۱۳	۲-۳-۴. مقررات اجرایی
۲۱۴	الف) محدوده مقررات اجرایی
۲۱۷	ب) روش وضع مقررات اجرایی

ج) تراحم و مصلحت.....	۲۲۲
نتیجه‌گیری.....	۲۲۷
منابع.....	۲۲۹

فصل پنجم: قانون و قانونگذاری در اندیشه شهید صدر.....	۲۳۱
مقدمه.....	۲۳۱
۱. زندگی نامه.....	۲۳۳
۲. قانون در اندیشه شهید صدر.....	۲۳۵
۲-۱. قانون و انواع آن.....	۲۳۵
۲-۲. مبنای مشروعيت قانون.....	۲۳۶
۲-۳. سیستم قانونگذاری در حکومت اسلامی.....	۲۳۸
۳. ارزیابی و بازتاب اندیشه.....	۲۴۱
۳-۱. ارزیابی اندیشه‌ی شهید صدر.....	۲۴۱
۳-۲. بازتاب اندیشه‌ی شهید صدر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۴۴
نتیجه‌گیری.....	۲۴۵
منابع.....	۲۴۷

فصل ششم: قانون و قانونگذاری در اندیشه آیت الله محمد تقی مصباح بزدی.....	۲۴۹
مقدمه.....	۲۴۹
۱. زندگی نامه.....	۲۵۱
۲. دیدگاه ها.....	۲۵۴
۲-۱. پیش فرض ها.....	۲۵۴
۲-۱-۱. ضرورت وجود قانون و رابطه آن با آزادی.....	۲۵۵
۲-۱-۲. استناد قانون به خداوند متعال.....	۲۵۷
(الف) ریوبیت و ولایت تشریعی الهی.....	۲۵۸

ب) ابعاد گوناگون انسان.....	۲۰۹
ج) منافع قانون‌گذار.....	۲۰۹
د) آمرانه بودن قانون	۲۶۰
و) علم و قدرت مطلق الهی	۲۶۰
ه) ناتوانی انسان در تدوین قانون.....	۲۶۱
ی) آیات مختلف قرآن.....	۲۶۱
۲-۲. قلمرو دین.....	۲۶۴
۳. اصول و مبانی قانون‌گذاری.....	۲۶۶
۳-۱. مفهوم مبانی.....	۲۶۷
۳-۲. مبانی قانون‌گذار اسلامی.....	۲۶۸
۴. روش قانون‌گذاری در اسلام.....	۲۷۸
۱-۴. قانون‌گذار اسلامی.....	۲۷۹
۲-۴. انواع قوانین اسلامی	۲۸۰
۳-۴. روش قانون‌گذاری اسلامی در جامعه امروز.....	۲۸۳
۴-۳-۱. راه‌های کشف اراده الهی.....	۲۸۳
۴-۳-۲. تغییر در احکام.....	۲۸۵
۴-۳-۳. قانون‌گذاری و مجالس مقنه.....	۲۸۸
الف) ضرورت وجود دستگاه قانون‌گذاری واحد.....	۲۸۸
ب) شورا.....	۲۹۰
ج) مجالس مقنه امروز	۲۹۱
د) طرح حکومت اسلامی.....	۲۹۳
و) آراء اکثریت.....	۲۹۹
نتیجه‌گیری.....	۲۹۹
منابع.....	۳۰۱

۱۶ ۲ قانون و قانونگذاری در آراء اندیشمندان شیعه

فصل هفتم: نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش نویش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۳۰۳
مقدمه	۳۰۴
۱. اندیشه‌های بنیادین در پیش نویس قانون اساسی	۳۰۸
۲. اهداف جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور	۳۱۳
۳. اهداف جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور	۳۱۳
۴. مقایسه بین قوانین اساسی	۳۱۵
چکیده فصول	۳۱۹



وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاؤِدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا لَهُمْ دُلَيْلٌ إِلَيْهِ الَّذِي فَضَّلْنَا

عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن سوره مبارکه للعنال آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

مفهومه قانونگذاری و تعیین مرجع این حق مهم از موضوعات بحث برانگیزی است که در پی حاکمیت نگاه ناشی از جریان روشنگری در غرب و همچنین حاکمیت بیشتر سکولار و انسان‌مدار، به سمت و سویی تمایل یافته که آن را صرفاً برای انسان مجاز می‌داند. این در حالی است که ایده اصیل توحیدی - مبنی بر اختصاص این حق به خدای متعال - از بسیاری جهات منطقی و متقن‌تر می‌نماید. البته بیش رواج یافته سکولار و انسان‌مدار نمی‌تواند این ایده را قبول نماید و به همین خاطر شاهد طرح آموزه‌ها و رویکردهای انتقادی بسیار نسبت به آن هستیم.

اثر حاضر از آن حیث که مبادی عقلی و نقی رویکرد توحیدی را بیان می‌نماید، در خور توجه بوده و امید می‌رود در تحلیل و گره‌گشایی از این بحث مهم حقوقی و سیاسی مؤثر باشد. ناشر ضمن تشکر از دبیر علمی مجموعه و تمامی اساتید و پژوهشگران همکار، آمادگی خود را جهت دریافت و نشر سایر آثار تكمیلی اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی

دانشگاه امام صادق (طیبه‌الله)

مقدمه

قانون و قانونگذاری همواره از دغدغه‌های ضروری و در عین حال پرمخاطره بشر بوده است. از یک سو قانون به مثابه تحفه الهی از طریق تکوین و طبیعت یا تشریع و نبوت الهام بخش مسیر زندگی فردی و جمیعی بشر در طول تاریخ بوده است و از سوی دیگر رشد و رونق روابط اجتماعی انسانها در کلان شهرهای مدرن همواره او را دربرابر این پرسش قرار می‌دهد که آیا هنوز هم می‌توان گفت که «اطاعت از قانون اطاعت رسیدن توامان به آزادی و عدالت است؟»

دل مشغولی انسان عصر روشنگری غرب دست یافتن به آزادی بود. نعمتی که مدت‌ها به بیانه قانون کلیسا از او سلب شده بود. مبارزه انقلابیون فرانسه نیز چیزی جز رسیدن به حقوق از مسیر آزادی نبود. اما به مرور آزادی به عنوان ثمره سالها مبارزه در ترازوی توازن اجتماعی عرصه را بر بسیاری از حقوق تنگ نمود. امنیت و پس از آن عدالت بود که شهروند قرون اخیر را سراسیمه کرده است تا با ولع تمام از خود بپرسد که آیا اساسا سیر تحولات نظام بین الملل کنونی، در راستای تاسیس یک جامعه قانون‌مدار و عدالت محور است؟ به دیگر سخن، چگونه و تا چه میزان می‌توان از نظم آهنین معاصر انتظار تضمین امنیت و اجرای عدالت و در نتیجه تنظیم قواعدی در راستای تحقق سعادت بشری داشت؟

این پرسش، خواسته یا ناخواسته ما را بسوی دو دیدگاه متفاوت راهنمایی خواهد کرد. در دیدگاهی خوشبیانه می‌توان انتظار تحقیق چنین آرمانی را هر چند در آینده‌ای دور ممکن دانست. نگاه غایت گرا برای هستی از چنین بیشی حمایت می‌کند و بر این

باور است که در نهایت با واسطه یا بی واسطه، پسر هم توانایی ایجاد این عدالت را در حال حاضر دارد و هم غایتی جز اجرای آن را در آینده ندارد. متألهین مسلمان و مسیحی قرنها با استناد به کتب مقدس خویش این آرمان را نزدیک و دست یافتنی جلوه داده‌اند چراکه آنرا جزئی از برنامه الهی در راستای تکامل بشری میدانسته اند. ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) فیلسوف فرانسوی قرن ۱۸ میلادی و پدر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، معتقد به چنین توانایی در انسانهاست. در این نگاه انسانها با کنار نهادن برخی آزادی‌ها برای زیستن، در شرایط صلح و امنیت باید گردهم آیند تا هر کسی قادر باشد به حقوق انسانی و مدنی خویش دسترسی داشته باشد. این گذار از وضعیتی ناعادلانه (وضع طبیعی) بسوی وضعیتی عادلانه (جامعه مدنی) تنها در سایه تقاضاهی بین انسانها قابل دستیابی است که از آن به قرارداد اجتماعی یاد می‌شود. در جهت بنای این ساختار عدالت محور لازم است تا حکومتی برخاسته از اراده جمعی زمینه تامین منافع همگانی را همراه با آزادی فراهم سازد. در اینجا اطاعت از قانون و حکومت اکثریت، خود عین آزادی است. اما گذشته از انتقاداتی که به این دیدگاه در امکان متنه شدن حکومت به نوعی دیکتاتوری اکثریت وارد است، پرسش اصلی ما در اینجا امکان توسعه آن از مسیر قانون در حد یک جامعه مدنی جهانی است که ضامن عدالت و عامل ایجاد امنیت هم باشد.

برخی معتقدان چون مارکسیست‌ها و آنارشیست‌ها معتقدند، هر چند بتوان با روش مناسب تقنین، به خوشبینی در آینده عادلانه جهان دست یافت، با اینحال این نه خواسته اکثریت و نه حتی اراده همه مردم است که معیار قانون و ملاک عدالت قرار می‌گیرد. چون دولت هم در این میان با فرض و جبر قواعدی بیشتر خود دشمن آزادی می‌گردد. در این راستا آنچه ما را به مقصود اولیه این بحث نزدیکتر خواهد کرد نگاه توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸) فیلسوف انگلیسی قرن ۱۷ میلادی است. هابز قبل از روسو به جمع بندی در رابطه با قرارداد اجتماعی و جامعه مدنی رسیده بود، اما معتقد نیست که به آسانی می‌توان این قرارداد را جهانی کرد. اگر دغدغه روسو آزادی، منطق او انقلابی و ساختار فکری او احیای آزادی اولیه و نیک بشر بوده، هابز بر خلاف او با بدینی به انسان و جهان، با رد جامعه باز از منطقی محافظه کارانه حمایت می‌کند که حداقل انتظار در آن ایجاد/منیت است و نه رسیدن به آزادی. در هر دو صورت این قانون و قانون‌گذاری در

جامعه است که به دو نتیجه متفاوت ممتهنی می‌گردد. بر این اساس مادامی‌که در جهان قانونی مورد توافق همه دول و ملل در جهت تامین امنیت همگان و حمایت از ضعیفان بوجود نیامده، آنچه در جهان حاکم است وضع طبیعی ما قبل جامعه مدنی و آنچه جهانیان فاقد آنند عدالت فraigیر است. حتی با وجود قانون مطلوب و مورد قبول همگان هم تا مادامی‌که مجری مورد قبول همگان و متصدی تضمین آن وجود نداشته باشد هر قدرتی به هر کشوری حمله می‌کند و مقررات، معاهدات و قوانین حقوق بین الملل، عمومی و خصوصی نیز جز کاغذ پاره‌های بی ارزشی بیش نیستند. در این وضعیت هر دولت-ملتی تنها برای بقای حیات خود می‌جنگد. و پیروزی از آن قدرت‌های تنومندی است که به تعبیر متسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) صاحب روح القوانین، همچون خرمگسان درشت اندام تارهای عنکبوتی قوانین را می‌درند و تنها حشرات ضعیف جهاند که در بند قوانین می‌مانند. نتیجه آنکه باید پرسید چگونه تقین و قانونی می‌تواند جامعه عادلانه (و در مفهوم اسطوی متعادل و متوازن) در تامین حقوق شهروندان را فراهم آورد؟

از منظر مکتب حقوق طبیعی همواره اصولی بنیادین در روابط انسانی وجود دارند که مبتنی بر جوهرهای اصیل در درون آدمیان هستند. این جوواهر درونی از آنروی که مشترک میان همگان است از یک سو و از سوی دیگر به این دلیل که موافق با ساختار طبیعی جهان آدمیان می‌باشد، در هر مکان و هر زمانی کارآمد خواهد بود. در حقیقت این عناصر اصیل‌اند که قانون نامیده می‌شوند و هر وضعی از قوانین مدنی در جامعه شهری بشری نیز اگر بدینها وفادار ماند آسیب نمی‌نیند و در تعارض با سایر حقوق قرار نگیرد. تعالیم ادیان توحیدی بر این جوهره انسانی به عنوان مبنای مشترک میان انسانها صحه گذارده‌اند هر چند هریک بدان نامی مستقل داده اند. در این میان دین اسلام بیش از سایر ادیان بر تطابق تعالیم خویش با قوانین طبیعت جهان و طبیعت درون انسان تاکید دارد. همین امر باعث گردیده تا نزاعی که در اندیشه عموم متفکران مسیحی پیرامون دوگانگی نظام تقین الهی و انسانی وجود دارد در اسلام نمود چندانی نداشته باشد.

مجموعه‌ای که در پیش روی شما خواننده عزیز قرار گرفته است با تمرکز بر مساله فوق، به سراغ آراء متفکران شیعی معاصر رفته است تا با بازخوانی نظر آنان در حوزه قانون و قانون‌گذاری به فلسفه وجود قوانینی وضعی در کنار احکام و قوانین شرعی

پیردادزد. در این مسیر سعی شده تا با تمرکز بر انقلاب اسلامی ایران و دوره جمهوری اسلامی در ایران به عنوان عصر تعالی اندیشه حقوق عمومی اسلامی در کنار سایر ویژگی‌های آن، آراء اندیشمندان موثرتر در سیر قانون و قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا بسیار طبیعی است که همواره می‌توان از نظرات سایر بزرگانی از علمای معاصر شیعه نیز نام برده که در این مجموعه گنجانده نشده است، با این امید که در آینده امکان احصاء آراء همه آنان فراهم گردد. با این توضیح، مجموعه حاضر در هشت فصل تدارک دیده شده است. فصل اول اختصاص به تحلیل اندیشه امام خمینی در این حوزه دارد. به اعتقاد نگارنده‌گان این مقاله برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی نیاز به دستورات و قوانین الهی است و دین اسلام مجموعه این قوانین و دستورات می‌باشد. پس از آن‌رو که این دین آخرین دین الهی و شایسته‌ترین قانون برای رساندن انسان به سر منزل نهایی می‌باشد لذا باید اصول و قوانین و قانون‌گذاری از نظر اسلام مورد بررسی قرار گیرد تا راهنمایی برای وضع مقررات و اداره جامعه اسلامی در زمان عدم دسترسی به معصوم علیه السلام باشد. در نتیجه امام خمینی رحمه الله عليه قانون‌گذاری را به حکم عقل وظیفه خدا می‌داند و معتقد است هیچ‌کس چنین وظیفه‌ای در این باره به غیر از خدا ندارد ایشان معتقد است در اسلام یک قانون حکومت می‌کند و آن قانون الهی است. بر این اساس حضرت امام مجلس را مجلس برنامه‌ریزی می‌داند نه مجلس قانون‌گذاری. بنابراین برای بررسی نظر ایشان در مورد قانون‌گذاری در این مقاله صرفاً اجتهاد و نقش آن در روند قانون‌مندی، مجلس و شورای نگهبان و نقش و جایگاه آن‌ها در زمینه قانون‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است.

نگارنده مقاله دوم در ضمن اشاره‌ای بر این باور است که اگرچه مقاله در یک موضوع جدید و شاید بی سابقه نگاشته شده ولی وی بعد از مطالعه‌ی بسیار و طراحی چارچوب‌های طرح بحث می‌تواند ادعا کند به منشوری از اصول عملیاتی قانون‌گذاری دست یافته که نه تنها کمتر به آن در غالب یک نظام توجه شده است بلکه حتی در عمل به برخی از رئوس آن هم، خبط‌هایی بزرگ صورت گرفته است و البته در بادی امر به نظر می‌رسد عدم درک صحیح و یا بی اطلاعی از این اصول بوسیله‌ی دستگاه تقنین و قانون‌گذاری علت عمدۀ باشد. با این توضیح در مقاله که به بررسی آراء آیت الله خامنه‌ای

اختصاص یافته می‌خوانیم که قانون‌گذاری به مفهوم قواعد آمره و لازم الاجرا در سطح زندگی اجتماعی-سیاسی، در هر نظام فکری، مبانی و احکام خاصی دارد و در چارچوب اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، هم به عنوان یکی از مهمترین فقهاء و علمای دینی و هم به عنوان ولی امر و امامت امت، بینان‌های معینی را به خود اختصاص داده است: اسلام‌گرایی، ولایت محوری، عدالت مداری، دشمن سنتی، صیانت از نظام جمهوری اسلامی، رعایت قانون اساسی و... از مبانی خدشنه ناپذیر نظام فکری آیت الله خامنه‌ای در باب قانون‌گذاری ذکر شده که نگارنده سعی کرده به تبیین اجمالی این نظام فکری پردازد.

بررسی اندیشه‌های شهید بزرگ عرصه سیاست و قضاوت در جمهوری اسلامی ایران آیت الله دکتر بهشتی در زمینه قانون و قانون‌گذاری موضوع مقاله سوم می‌باشد. در واکاوی از این آراء این اندیشمند می‌توان دریافت که از نظر وی قانون‌گذاری در اسلام یک نظام است - نه مجموع چند مسأله - که بر پایه جهان بینی اسلام درباره انسان و جامعه استوار می‌گردد: رشد اختیاری انسان؛ اصالت فرد و جامعه؛ حاکمیت عدل در جامعه اسلامی و.... قانون‌گذاری در اسلام بر مبنای وحی و با محاسبه و تنظیم عقل و استفاده از علم صورت می‌گیرد و در این راه باید اصول مکتبی مرتبط را رعایت کرد: حفظ آزادی انسان؛ محوریت عدالت؛ رشد هماهنگ مادی و معنوی؛ نگاه نظام مند به مکتب؛ آهنگ تربیت در قانون و.... در حوزه اجتماعی که اصالتاً قانون برای همین حوزه است تعدد قانون معنایی ندارد و صرفاً یک رای نافذ است: رأی حاکمیت عادل صالح اسلامی.

در فصل چهارم آراء آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفته است. آثار غنی ایشان در این زمینه محقق را بر آن داشته تا احصایی عظیم و فراتر از یک مقاله معمول فراهم نماید. در این راستا برای بررسی قانون‌گذاری بشری ابتدا در گفتار اول نظر اندیشمندان غربی در مورد بشری بودن منشاء حق و قانون‌گذاری بیان شده است. سپس در گفتار دوم به نقد این نظر پرداخته می‌شود و دلایل رد آن ذکر می‌گردد. در گفتار سوم نیز بیان می‌گردد که اگر قانون‌گذاری الهی پذیرفته نشود و بشر مطلق العنوان بجای خدا تقینی کند چه ثمراتی خواهد داشت. در هر صورت به اعتقاد آیت الله جوادی، حاکم اسلامی موظف به استخراج قوانین الهی و تبیین و تبلیغ و اجرای آنهاست. البته از آنجا

که اجرای این قوانین در جهان حرکت و تحول و تکثر، موجب بوجود آمدن تراحم آنها با یکدیگر می‌گردد، بنابراین حاکم مشروع وظیفه دارد: اولاً با آگاهی از شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی با رجوع به نظرات مردم بهترین روش را برای اجرای آنها برگزینند و ثانیاً در موارد تراحم با علم به مصالح واقعی و در نظر گرفتن قاعده عقلی ترجیح اهم بر مهم، قانون اهم را اجرا و قانون مهم را موقتاً تا رفع آن محل دور تعطیل نماید.

شهید بزرگوار محمد باقر صدر همانند سایر علمای راستین عالم تشیع حق قانونگذاری را اصلنا از آن خدا دانسته و اضافه می‌نماید که این حق از جانب خدا به حکومت اسلامی اعطای گشته است. همچنین ایشان حکومت اسلامی را عبارت از حاکمیت امت همراه با نظارت و سرپرستی فقیه مرجع می‌نامد. سپس با بیان این موضوع که خداوند باری تعالیٰ قوانین برخی از حوزه‌های زندگی بشری را خود وضع فرموده و وظیفه‌ی حکومت اسلامی تنها کشف و بیان این احکام و قوانین است. اضافه می‌نماید که البته در بسیاری از محدوده‌های زندگی اجتماعی هیچ قانون و یا حکمی از جانب خدا وضع نگشته است و این حکومت اسلامی است که می‌بایست بر طبق مصلحت امت و مقتضیات زمان، قوانین و احکام مناسب را در این حوزه‌ها وضع نماید. در نهایت وی با تفکیک وظایف امت و مرجع در حکومت اسلامی، قانونگذاری در محدوده‌ی آزادی نظر قانونی و یا همان منطقه‌الفراغ و اجرای قانون را وظیفه‌ی امت دانسته که با رأی خود آن را اعمال می‌نمایند؛ و وظیفه‌ی بیان احکام و قوانین ثابت شرعی و نظارت بر حسن وضع قوانین متحرک و اجرای آن‌ها را با فقیه مرجع می‌داند.

فصل ششم مقاله در واقع ترجمه نامه‌ای است که شهید سید محمد باقر صدر در پاسخ به درخواست تعدادی از علمای لبنان و در توضیح و تبیین اندیشه فقهی خود نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته است. ایشان ابتدا در نامه خود با ذکر توصیفات انقلاب اسلامی به نقش رهبری تحت عنوان «مرجعیت رشیده» تأکید می‌کنند و در ادامه اندیشه‌های بنیادین در پیش نویش قانون اساسی را توضیح می‌دهند. سپس روش‌های اعمال حاکمیت از سوی مردم و همچنین شرایط و ویژگی‌های شخصی که مسؤولیت مرجعیت را قبول می‌کند را ذکر می‌کنند. در پایان شهید صدر تعدادی از اهداف

جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بیان می‌کنند و نظریه کوتاه فقهی خود در این نامه را تنها به عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراست معرفی می‌نمایند.

بحث از قانون و قانون‌گذار از مباحثی است که در فصل هفتم از منظر آیت الله مصباح به آن نظر شده است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه مساله قانون‌گذاری در میان مباحث مربوط به حقوق اساسی از جایگاه مهم و والایی برخوردار است. اینکه قانون‌گذاری حق کیست و اصولاً چه کسی می‌تواند قانون وضع نماید و آیا در جامعه امروزی می‌توان معتقد بود که خدا قانون‌گذار است و اگر چنین است جایگاه مجلس قانون‌گذاری کجاست و مشابه این سوالات را می‌توان در این مورد مطرح نمود. پاسخ این سوالات در آراء و دیدگاه‌های اندیشمند معاصر آیت الله مصباح یزدی جستجو شده و پس از ذکر مختصری از زندگی نامه و نگاهی به آثار ایشان در این زمینه، به بررسی ضرورت قانون و حق قانون‌گذاری از دیدگاه استاد پرداخته و سپس مبانی قانون‌گذاری اسلامی از نگاه وی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. قلمرو دین و قوانین اسلامی و روش پیاده شدن آنها در جامعه امروز نیز در آخر، بررسی شده است.

در فصل هشتم سعی شده است تا از میان نوشهای در دسترس استاد شهید مرتضی مطهری اندیشه‌های حقوقی آن شهید استخراج گردد. در ابتدا از پیش فرض‌هایی که در امر قانون‌گذاری در نظام حقوقی اسلام وجود دارد سخن به میان آمده است. از نگاه استاد، انسان برای تکامل ارزش‌های انسانی که خداوند در او به ودیعه نهاده، خلق شده و در زندگی اجتماعی خود نیز باید در پی تحقق این هدف باشد. پس از بحث درباره حق حاکمیت، ایشان حق قانون‌گذاری را نیز مختص خداوند دانسته و حیطه تقنین انسان را در امور بسیار محدودی می‌داند. سپس از مبانی قانون‌گذاری در اسلام بحث گردیده و از اصولی مانند عدالت، آزادی، تلازم حق و تکلیف و حسن و قیح عقلی نام برده شده است. در انتها نیز از روش کلی قانون‌گذاری در عصر غیبیت معصومان که از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود، گفتگو شده است. نکته مهم آن است که به زعم نگارنده، به عللی از جمله شهادت زود هنگام ایشان، نمی‌توان نظام اجرایی چندان روشنی که به عنوان روش پیاده سازی حکومتی مدنظر قرار گیرد، از نوشهای ایشان استخراج نمود.

و در نهایت در پاسخ به پرسش فلسفی نخستین این درآمد، مقاله آخر با رویکردی خارج از محور اصلی مقاله به نزاع قانون، عدالت و آزادی در مباحث فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق غربی پرداخته است. قرارگرفتن این مقاله در انتهای مباحث آراء علمای شیعه این امکان را به خواننده می‌دهد تا رویکرد تطبیقی را در مباحث این کتاب تعقیب کند. به هر حال به نظر نگارنده این مقاله قانون ابزاری است برای تحقق عدالت که همواره با تعاریف مختلفی که از سوی مکاتب فکری مختلف ارائه می‌شده، دستخوش تغییرات فراوانی بوده است. نگرش‌های گوناگونی که در بستر جامعه شکل می‌گیرد و آرمان‌های عدالت خواهانه مهمترین عوامل تأثیرگذار بر قانون هستند. قانون تضمین‌کننده‌ی آزادی‌ها و حقوق افراد جامعه است که در بسیاری موارد بستر توجیه بی‌عدالتی بوده است ولو آنکه به نام عدالت سخن گفته شده است. سوال این است که آیا عدالت در پیکره اجتماع (ونه در حوزه فردی) بدون قاعده و قانون می‌تواند قوام و دوام یابد یا نه. از سوی دیگر قانونی که سر عدالت و سودای عدالت‌جویی ندارد شایسته نام «قانون» است یا «زنجبیر»؟

در پایان لازم می‌دانم تا از همکاری صمیمانه مجموعه همکاران محقق به ویژه دکتر رضا اکبری رئیس محترم مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) و دانشجویان عزیز دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی این دانشگاه که با تحقیق، طرح پرسشها و نکته‌سنجهای خویش زمینه آفرینش این کتاب را فراهم کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم. به تعبیر آن دوست همکارم اگر نام حقیر در ذیل اوراق این دفتر ثبت است نباید به مثابه رستم واقعی نوشتار آن تلقی کرد، چراکه فردوسی کس دیگر است و هم اوست که شاهنامه را می‌نگارد و به خلق شخصیت و تعریف و ترسیم در آن می‌پردازد. عمدۀ تلاش را پژوهشگران کوشایی متحمل شده‌اند که با فراتر لازم به تفحص در این حوزه پرداخته و به ارائه اثر پرداخته‌اند. به آن امید که با تذکرات مشفقاته خوانندگان زمینه تعالی و انتشار اندیشه‌های متفکران معاصر ایران زمین بیشتر و بهتر فراهم گردد.

محمد جواد جاوید

دانشگاه تهران

مهرماه ۱۳۸۶



قانون و قانون‌گذاری در اندیشه‌ی امام خمینی (رحمه الله عليه)

هادی طحان نظیف

محسن داوری

مقدمه

قانون و قانون‌گذاری یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در هر حکومت مدعی تأمین سعادت مردم (اعم از دنیوی یا اخروی) باید به آن به عنوان یکی از مسائل بنیادین پرداخته شود. چرا که این قانون است که چارچوب حرکت یک جامعه را به سوی اهداف خود تعیین می‌کند به عبارت دیگر هر جامعه‌ای به تناسب اهدافی که برای خود ترسیم کرده است اقدام به وضع قوانین جهت رسیدن به آنها می‌نماید. عموماً غایت اندیشه غرب امور مادی و دنیوی است و در نتیجه متناسب با همین نگرش قانون وضع می‌شود از نظر اندیشمندان غربی قانون آن است که تنها امور دنیا را نظم ببخشد و قانون‌گذار کسی است که بایدها و نبایدهایی را جهت نیل به این غایت مادی وضع کند.

اما اسلام نگاهی فراتر دارد تا انسان را هم به سعادت دنیوی و هم اخروی برساند و متناسب با این هدف خود نیز دستورات و قوانینی دارد. جامعه‌ای که اسلام را به عنوان راهبر خود به سوی غایت حقیقی خویش پذیرفته است لا جرم باید مشی و منش خود را بر مبنای آن قرار دهد و این ممکن نیست مگر از طریق شناخت دقیق اصول و احکام اسلام با مراجعه به قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام. از سوی دیگر این علماء و

فقها متخصصین این عرصه هستند که عمر خود را در راه شناخت احکام و دستورات اسلام صرف کرده اند لذا در این باره صواب آن است که به آثار و نظرات فقها در این زمینه مراجعه نماییم تا بتوانیم درکی صحیح از قانون اسلام داشته باشیم. در میان علماء و فقهاء بزرگوار امام خمینی رحمه الله عليه از بی نظیرترین فقهایی است که توanst با ایمان به خدا و مدد و نصرت الهی و همراهی مردم بساط حکومت طاغوت را براندازد و حکومت اسلامی تشکیل دهد. انقلاب اسلامی ایران که حاصل رهبری‌های امام خمینی رحمه الله عليه و تلاش و مجاهدت‌های فراوان است حکومتی است که در عصر جدایی انسان از خدا و پشت نمودن او به دین، با پرچم برافراشته خدامداری و دین مدعی تامین سعادت دنیوی و اخروی مردم جهان در پرتو تعالیم اسلام گردید. البته نباید از این نکته غفلت نمود که حکومتی که مدعی تامین سعادت مادی و معنوی انسان است مسلماً قوانین اش با قوانینی که افق دیدش مادی است تفاوت‌های اساسی دارد. با توجه به اینکه امام خمینی رحمه الله عليه بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران است و نیز در این زمینه به صورت مبسوط آثار ایشان مورد بررسی قرار نگرفته بود. بر آن شدیم که اصول و مبانی و روش‌های قانون‌گذاری در اسلام را از نظر ایشان مورد بررسی قرار دهیم. در این زمینه روش تحقیق و بررسی ما اکتشافی و با مراجعه به منابع دست اول بوده است به طوری که آثار بیان و بنان حضرت امام در این زمینه را مد نظر قرار داده و بر این اساس نظر ایشان را استخراج نموده‌ایم و حاصل این تحقیق در سه بخش اصلی زیر آمده است که عبارتند از:

پیش فرض‌ها

مبانی و اصول قانون‌گذاری در اسلام

روش قانون‌گذاری در اسلام

امید است که این نوشتار مقبول درگاه احیثیت قرار گرفته و موجب شادی روح امام امت قرار گیرد.

۱. زندگی نامه

روح الله موسوی خمینی در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۱ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی در خانواده‌ای اهل علم، هجرت، جهاد و مبارزه از سال‌های زهراً اطهر سلام الله علیها دیده به جهان گشود. ایشان پس از گذراندن دروس مقدماتی و اندکی پس از هجرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد استاد حوزه قم طی کرد به گونه‌ای که پس از رحلت آیت‌الله العظمی حائری یزدی یکی از مدرسین و مجتهدین صاحب رأی در فقه و اصول و فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در قم شناخته شد و در حوزه علمیه نجف نیز قریب به ۱۴ سال معارف اهل بیت را در سطوح عالی تدریس نمود همچنین در نجف برای نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درس‌های ولایت فقیه بازگو نمود.

مبارزات ایشان از اوان نوجوانی آغاز و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان از یک سو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است و در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ماجراهای ایالتی و ولایتی فرصتی پیدید آورد تا ایشان در رهبری قیام و روحاً نیست ایفای نقش کنند. آیت‌الله خمینی بی‌پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و هم پیمان با اسرائیل یاد می‌کرد و بر آگاهی مردم از دخالت‌های آمریکا و خیانت‌های شاه تأکید داشت و مردم را به قیام فرا می‌خواند و بدین ترتیب قیام سراسری روحاً نیست و مردم ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سر آغازی بر فصل نوین مبارزات ملت ایران گردید.

ایشان در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ ه.ق (۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد و در آن برخلاف آنچه از ایشان خواسته شده بود در مورد ارتباط شاه و اسرائیل به شدت سخن راند که این سخنرانی سبب دستگیری شبانه ایشان و سپس کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد

۴۲ گردید. امام در شامگاه ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ آزاد گردید و سپس به اقدامات خود نظریر صدور بیانیه و روز عزای عمومی در سالگرد قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۳ ادامه داد. افشاگری رهبر نهضت، علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون در آبان سال ۴۳ سبب بازداشت شبانه و تبعید یازده ماهه ایشان به ترکیه گردید. این اقامت اجباری در ترکیه مغتنم برای ایشان بود تا تدوین کتاب تحریرالوسیله را آغاز کنند. روز ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۳ حضرت آیت‌الله خمینی به همراه فرزندشان آیت‌الله حاج آقا مصطفی در ترکیه به تبعید گاه دوم، کشور عراق اعزام شدند. وی در نجف سلسله درس‌های خارج فقه و خصوصاً برای اولین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را علی رغم همه‌ی مخالفت‌ها و کارشکنی‌های عناصر مغرض آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت به گونه‌ای که حوزه درسی ایشان به عنوان یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های درسی نجف از لحاظ کیفیت و کمیت شاگردان شناخته شد. ایشان همچنین از بد و ورود به نجف با ارسال نامه‌ها و پیک‌هایی به ایران ارتباط خویش را با مبارزین حفظ نموده و آنان را در هر مناسبی به پایداری در پیگیری اهداف نهضت فرا می‌خواند. ایشان در تمام دوران پس از تبعید، علی رغم دشواری‌های پدید آمده، هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشید و با سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش امید به پیروزی را در دل‌ها زنده نگه می‌داشت.

تلدریس، تلاش و روشنگری آیت‌الله خمینی به عنوان یک رهبر و امام کم‌کم باعث شد علاوه بر مبارزین بیشمار داخل کشور مخاطبین زیادی در عراق، لبنان و دیگر بلاد اسلامی نهضت دینی و ضد طاغوتی امام خمینی رحمه‌الله علیه را الگوی خود بداند. امام نیز به دقت تحولات جاری جهان و ایران را زیر نظر داشتند.

شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی فرزند امام در آبان ۱۳۵۶ و مراسم پر شکوهی که در ایران برگزار گردید نقطه‌آغازی بر خیزش دوباره حوزه‌های علمیه و قیام ملت ایران بود. امام در همان زمان به گونه‌ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی برشمردند. رژیم شاه با درج مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه ایشان در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله به قیام ۱۹ دی ماه در قم در سال ۵۶ منجر شد که در آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند شاه علی رغم دست زدن به کشته‌های جمعی نتوانست شعله‌های افروخته شده را خاموش کند. در دیدار وزرای

فصل ۱. قانون و قانونگذاری در اندیشه امام خمینی(ره)^{۲۱}

خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج امام خمینی از عراق پس از ۱۳ سال گرفته شد. روز ۱۴ مهر امام پس از ممانعت دولت کویت از پذیرش ایشان وارد پاریس گردیدند و بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشا تو مستقر گردیدند و بدین ترتیب از آنجا به رهبری نهضت با وجود مشکلات فراوان پرداختند. امام خمینی رحمه الله عليه در دی ماه ۱۳۵۷ شورای انقلاب را تشکیل داد. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رأی اعتماد برای کابینه بختیار در روز ۲۶ دی ماه از کشور گریخت که این خبر سبب شادمانی ملت گردید. اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷ خبر تصمیم امام برای بازگشت به کشور پس از ۱۴ سال انتشار یافت و ایشان در ۱۲ بهمن علی رغم مخالفت دولت بختیار وارد ایران شدند. با حضور امام دولت بختیار چند روز بیشتر تاب نیاورد و ناگزیر از پذیرش خواست ملت و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی گردید و بدین ترتیب آنچه سالها تحت عنوان حکومت و ولایت اسلامی بارها در کتب فقهی آمده بود و مبانی آن توسط امام در نجف بازگو گردیده بود، از این زمان به بعد فرصت اجرا یافت و گام‌هایی برای عملی نمودن آن در نظام برگزیده مردم یعنی جمهوری اسلامی ایران و به رهبری امام خمینی آغاز گردید.

۲. آثار

امام خمینی دارای آثار گرانبهایی در مباحث حدیثی، فقهی، عرفانی، اصولی، اخلاقی و کلامی می‌باشد و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرصتی فراهم گردید که ایشان به طور متناوب با مردم و مسئولین کشور ملاقات و سخنرانی داشته یا نامه‌ها و پیام‌هایی خطاب به مردم یا مسئولین به نگارش در آوردن. در اینجا به صورت اجمالی به تعدادی از آثار ایشان اشاره می‌کنیم.

اربعین حدیث یا شرح چهل حدیث؛ این کتاب در سال ۱۳۵۸ هـ (۱۳۱۸ هـ.ش) نگارش یافته و مدار بحث در آن اخلاق و مضامین عرفانی است.
تحریر الوسیله؛ این کتاب حاوی فتاوی امام خمینی به زبان عربی و در دو مجلد است که ایشان در دوران تبعید در ترکیه (۱۳۴۲ - ۱۳۴۴ هـ.ش) نوشته‌اند.

حکومت اسلامی یا ولایت فقیه؛ این کتاب استدلالی در فقه سیاسی و به زبان فارسی می‌باشد و حاوی دیدگاه‌های امام در باره حکومت اسلامی و ولایت فقیه می‌باشد که به صورت سلسله درس‌هایی در سال ۱۳۴۸ هـ، و در سیزده جلسه ارائه داده‌اند و همان‌ها از نوار پیاده شده و به صورت کتاب در آمده است.

الرسائل؛ این رساله درباره یکی از مسائل اصولی یعنی تعادل و تراجیح در میان اخبار واردہ از معصومین علیهم السلام است که به زبان عربی و در سال ۱۳۳۰ هـ نوشته شده است البته در چاپ نخست این اثر افرون بر بحث تعادل و تراجیح، مباحث لاضرر، استصحاب، اجتهاد و تقیید و تقویه نیز ضمیمه شده است.

شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ این کتاب در شرح روایتی است موسوم به جنود عقل و جهل از امام صادق علیه السلام که در سال ۱۳۶۳ هـ ق نوشته شده است.

صحیفه امام یا صحیفه نور؛ این کتاب در بیست و دو جلد می‌باشد که شامل بیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، نامه‌ها و اجازات امام در طول دوران مرجعیت ایشان به ویژه پس از انقلاب است.

کشف الاسرار؛ این کتاب اثری است که در سال ۱۳۲۳ هـ ش، در پاسخ به کتاب اسرار هزار ساله نوشته شده و به شباهات اعتقادی، سیاسی و اجتماعی پاسخ داده است. کتاب البيع؛ این کتاب در پنج جلد به زبان عربی نگارش یافته و در فقه استدلالی و در مسائل مربوط به بیع و تجارت است و در بخشی از آن به بحث ولایت فقیه نیز اشاره شده است.

۳. پیش فرض‌ها

قبل از بیان فرض‌ها و ورود به بحث قانون‌گذاری به نظر می‌رسد بیان پیش فرض‌ها ضروری است. پرداختن به پیش فرضها از این جهت اهمیت دارد که حرکت ما را در جهت حصول به نتیجه با یک روال منطقی تسهیل می‌بخشد از طرفی باعث می‌گردد که به نتایج منطقی مستحکم و غیر قابل خدشه ای دست یابیم. در اینجا مساله مهمی که باید روشن شود این است که قانون‌گذار کیست و چه کسی حق قانون‌گذاری دارد و آیا او که دارای چنین حقی است قانون‌گذاری کرده است یا نه؟

فصل ۱. قانون و قانونگذاری در اندیشه امام خمینی(ره) ۲۳

بدیهی است در اینجا دیدگاه کسی که قانون گذار را بشر می داند با دیدگاه کسی که تنها قانون گذار را ذات باری تعالی می داند بسیار متفاوت خواهد بود و این اختلاف مبنای بالطبع تاثیرات شگرفی در نتایج نیز به وجود خواهد آورد.

۱-۳. توحید قانون گذاری در خدا

از نظر امام رحمة الله عليه یگانه قانون گذار خداست و غیر او هیچ کس حق قانون گذاری ندارد مگر به اذن و اجازه او، زیرا وضع قانون توسط خداوند به منزله تصرف مالک در مال خویش است و هیچ کس نمی تواند مالک را از تصرف در ملکش باز دارد و نهی کند. ایشان اصولاً چنین حقی را برای بشر قابل نیستند چون که به هر حال بشر از خطأ و اشتباه مبرا نیست، لذا قانون گذاری وظیفه خداوند عادل است که با دلایل عقلی و نقلی این مهم را اثبات می کند.

۱-۱-۳. دلایل عقلی

«اصل بر این است که حکم و دستور هیچ کسی نسبت به دیگری نافذ نیست مگر حکم و دستور کسی که بنا به استحقاق ذاتی خود مالک و خالق همه چیز مردم باشد که هر تصرف او در این صورت تصرف در مال خودش است»(امام خمینی، ۱۳۴۳، ص ۱۰۰)
«چنین شخصی که تصرف و ولایتش در تمام بشر به حکم خرد نافذ و درست است خدای عالمست که مالک تمام موجودات و خالق ارض و سماوات است پس هر حکمی که جاری کند در مملکت خود جاری کرده و هر تصرفی بکند در داده خود تصرف کرده است»(امام خمینی، بی تا، ص ۱۸۱)

«تنها حکومتی که خرد حق می داند و با آغوش گشاده و چهره باز آن را می پذیرد حکومت خداست که همه کارش حق و همه عالم و تمام ذرات وجود حق خود اوست استحقاق او در هر چه تصرف کند در مال خود تصرف کرده و از هر کس هر چه بگیرد مال خود را گرفته و هیچ کس انکار این سخن را نتواند کرد مگر آنکه به اختلال دماغ دچار باشد»(امام خمینی، بی تا، ص ۲۲۲)

«مقصود از اینکه بشر قانون وضع کند این است که یک نفر یا چند نفر از پیش خود یک قانونی وضع کنند و آن گاه بر افراد یک کشور واجب شود که به آن عمل کنند و اگر عمل نکنند عقل آن‌ها را نکوشش کند و برای آن جزائی قائل شود چنانچه قوانین کشورهای جهان از این قرار است، اگر مقصود این است این برخلاف حکم روشن خرد است، هیچ کس نمی‌تواند بگوید که قانون یک نفر یا چند نفر بی‌جهت برای یک کشور لازم الاطاعه باشد به طوری که به حکم عقل، متخلص مجرم تشخیص داده شود»(امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۸۹)

«حکم گذاران هم بشری هستند مثل خود او شهوت و غضب دارند، شیطنت و خدعاًه دارند، منافع شخصی خود را می‌خواهند. منافع دیگران را فدای خود می‌کنند، جمله کلام آنکه آن‌ها هم محتاج و گرفتار عوامل بسیار هستند و از چنین بشری کسی توقع ندارد که احکامش به مصالح عامه باشد و خود را بر دیگران ترجیح ندهد و منافع دیگران را پایمال نکند علاوه این‌ها که قانون‌گذاری می‌کنند نیز چون دیگران احاطه به همه جهات و خصوصیات ندارند و از خطأ کاری و غلط اندازی و اشتباه مأمون نیستند چه بسا حکمی کنند که به ضرر مردم تمام بشود و برخلاف مصالح کشور باشد»(امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۸۱)

«بشر چنین حقی ندارد و هر قانونی که وضع کند جز سیاه مشقی نیست و به حکم خرد احکام هیچ کس بر هیچ کس نافذ نیست مگر حکم خدای جهان که چون همه جهان مخلوق و مملوک اوست عقل حکم او را بر همه کس نافذ و لازم الاطاعه می‌داند این‌ها همه در صورتی است که احکام بشر را خردمندانه و برای مصالح مردم بدانیم که باز عقل حق نمی‌دهد به کسی که برخلاف میل دیگران تصرف در جان و مال آن‌ها بکند گرچه بر صلاح خود آن‌ها باشد مگر در بعضی موارد خیلی نادر»(امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۸۹)

«تمام قانون‌های جهان راه‌های حیله‌ایست که بشر برای استفاده خود باز کرده و با نام‌های مختلف بر دیگران تحمیل می‌کند. فرق این است که حیله‌گری هر دسته که بیشتر است نام‌های خود درآی آن‌ها فریبنده‌تر و زر و زیور دارتر است. هیچ فرق اساسی میان مشروطه و استبداد و دیکتاتوری و دموکراسی نیست مگر در فریبنده‌گی الفاظ و حیله‌گری قانون‌گذارها.

آری شهروتران‌ها و استفاده‌چی‌ها فرق نمی‌کنند. کمونیستی همان دیکتاتوری است با اختلاف اسم و گرنه باز یکدسته رنجبر و یک دسته شهوت ران، یکدسته حزب کارگر و یکدسته دیگر در رأس آن‌ها حکومت می‌کنند و خون آن‌ها را می‌مکند و در قصرهای با عظمت و اتومبیل‌های آخرین سیستم به عیش و عشرت اشتغال دارند اکنون باید گفت بشر با این حال حق قانون‌گذاری دارد و اطاعت از آن واجب است؟

از این جا باید بدانید که قانون‌گذار باید کسی باشد که از نفع بردن و شهوت رانی و هواهای نفسانی و ستمکاری برکنار باشد و درباره او احتمال این‌گونه چیزهای ندهیم و آن غیر خدای عادل نیست پس قانون‌گذار غیر خدای عادل نباید باشد» (امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۹۱).

۱-۳-۲. دلایل نقلی

«گر چه [آنچه تاکنون گفته‌یم] را هر کس درست ببیند و در اطراف آن فکر کند خواهد پذیرفت و بشر هر چه زورمند باشد و دارای قدرت و سلطنت باشد عقل حکم او را حق نمی‌داند و بی‌جهت نمی‌پذیرد و سلطنت و حکومت او را ظالمانه و بی‌خردانه می‌داند ولی ما از گفته‌های خدا در این جا گواه می‌اوریم» (امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۸۳)

سوره مائده آیه ۴۴: ﴿وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أُنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^۱.

سوره مائده آیه ۴۵: ﴿وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أُنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۲

سوره مائده آیه ۴۷: ﴿وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أُنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۳

سوره مائده آیه ۴۸: ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مَصْدِقًا لِمَا بَيْنَ يَدِيهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ

مَهِيمَنَا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بِمَا أُنزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ مَمَا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾^۴

۱. و آن‌ها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند.

۲. و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند ستمگر است.

۳. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند فاسقدند.

۴. و این کتاب [=قرآن] را بحق بر تو نازل کردیم در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگهبان آن‌هاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آن‌ها حکم کن و از هری و هرس‌های آنان پیروی نکن و از احکام الهی روی مگردان.